



کانت قائل به حق شهروندی زنان نبود/ در دنیای قدیم افلاطون تنها کسی بود که زن و مرد را برابر می دانست

یک استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اینکه تا قبل از قرن نوزدهم نگاه به زن در میان عوام و حتی اندیشمندان به شدت منفی بوده است...

یک استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اینکه تا قبل از قرن نوزدهم نگاه به زن در میان عوام و حتی اندیشمندان به شدت منفی بوده است، گفت: حتی کانت متفکر قرن هجدهم به صراحت گفته است که زن حقوق شهروندی ندارد چراکه یک موجود وابسته است.

دکتر منوچهر صانعی دره بیدی، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه شهید بهشتی درباره جایگاه زن از منظر اندیشمندان غرب به خبرنگار مهر گفت: دیدگاه مغرب زمین در مورد جایگاه زن یکدست و یکنواخت نیست. به این معنا که از اولین نوشته هایی که متعلق به افلاطون و ارسطو بوده و در قرن چهارم و پنجم قبل از میلاد به دست ما رسیده تا نوشته هایی که از انقلاب فرانسه به بعد یعنی 200 سال اخیر نوشته شده نشان دهنده رویکرد کاملاً متفاوت دوره های مختلف و دانشمندان متفاوت به این موضوع است.

وی افزود: یک دیدگاه سنتی در مورد زن وجود دارد که از لحاظ اصولی ارتباطی به شرق و غرب ندارد و ریشه های آن در زندگی قبایلی انسان های اولیه یعنی حدود 4 تا 6 هزار سال پیش است. در آن دوره انسان ها از طریق راهزنی امرار معاش می کردند. اسناد و مدارکی وجود دارد که دو مورد از این مناطق قبیله ای را شناسایی کرده اند؛ یکی در منطقه آسیا میانه که در فرهنگ ما به ترکستان شناخته می شود و در جغرافیای امروز قرقیزستان، ترکمنستان و شمال تاجیکستان تا غرب مغولستان را شامل می شود و دیگری شبه جزیره عربستان است.

استاد گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی ادامه داد: امرار معاش از طریق راهزنی به این ترتیب بود که قبیله ای به قبیله دیگر حمله می کرد، معمولاً زن ها در قبیله ای که مورد حمله واقع می شد مورد بیشترین آزار و اذیت و تهاجم قرار می گرفتند، از این جهت طی چندین هزار سال به تدریج از زن تصویر منفی در اذهان ایجاد شد و به عنوان یک انسان درجه دوم، ضعیف، ناتوان و مزاحم قلمداد می شد. همین مفاهیم بعدها در یونان و همچنین در ادیان مختلف نفوذ کرد. به این ترتیب زن ها از فعالیتهای اجتماعی کنار گذاشته و به عنوان موجودی که باید از آن محافظت کرد، شناخته شدند و با تأسف بسیار این تصویر در دوره عقلانیت و تفکرات فلسفی نیز همچنان ادامه پیدا کرد.

این محقق و پژوهشگر فلسفه تصریح کرد: این در حالی است که شرارت های تاریخی به دست مردها انجام شده است، البته به این معنی نیست که زن ها هیچ دخالتی نداشته اند بلکه از این بابت در اقلیت بوده اند. با این وجود همین مردها وقتی قلم به دست می گرفتند در مورد زن ها با عناوینی مانند حیوان موبلند، آفریده شده از دنده چپ مرد، ناقص العقل، مجانین و دیوانگان تعریف می شدند. لازم به ذکر است که این نوشته ها هیچ ارتباطی به شرق و غرب ندارد و در همه جای دنیا چنین اهانت هایی بوده است.

صانعی دره بیدی اظهار داشت: ارسطو نیز در برخی نوشته های خود اشاره کرده که تصور سنتی یونانی ها در مورد زن به همین ترتیب بوده است. در قرون وسطی این ذهنیت به شدت رواج پیدا کرد، حتی کانت متفکر قرن هجدهم به صراحت گفته است که زن حقوق شهروندی ندارد چرا که یک موجود وابسته است. این موضوع کلی است و ارتباطی با هیچ دین خاصی ندارد.

وی افزود: در دنیای قدیم افلاطون تنها کسی است که در جامعه آرمانی خود زن و مرد را برابر معرفی کرده است، چنین تفکری در آن دوره تنها موردی است که خبر دارم. 2500 سال پیش فیلسوفی به نام افلاطون در کتاب جمهوری خود آورده است زن و مرد از لحاظ تفکر، کار، تربیت یک جنس واحد هستند و یک نظام تربیتی واحد دارند، حتی ورزشهای سختی را که برای پسر ها در جوانی در نظر می گیرد برای خانمها نیز توصیه می کند و این یک مورد استثنایی تلقی می شود.

این محقق و پژوهشگر حوزه فرهنگ و فلسفه تصریح کرد: از جمله مسائلی که از دوره باستانی باقی مانده و به مرور رنگ و بوی شرعی نیز به خود گرفت و قانونمند شد این بود که ارزش جان زن به اندازه نصف جان مرد است یا در بحث ارث نیز، ارث زن به اندازه نصف مرد است. این وضعیت در مغرب زمین حاکم بود تا زمانی که انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم به وقوع پیوست. از قرن نوزدهم به بعد آرام آرام زن ها توانستند جایگاه اجتماعی خود را در مغرب زمین پیدا کنند. امروزه بنا بر آنچه خبر داریم در محافل، رسانه ها و فیلمها، یک زن به هیچ وجه صد در صد برابر مرد نیست و تا حدود زیادی زن ها سعی کردند برابری ایجاد کنند، به طوری که در دنیای جدید شاهد هستیم با کوشش فراوان پست و مقامهایی به خانمها داده می شود، اما زن ها همچنان مورد تجاوز، زورگویی و ستم واقع می شوند.

وی درباره جایگاه امروز زنان غربی گفت: امروز زنان غربی تا حدود زیادی حقوق اجتماعی خود را به دست آورده اند، اما در عمل به هیچ وجه برابری کامل ندارند. در واقع به صورت تئوری و در قانون آنها لحاظ شده است اما در عمل این شرایط حاکم نیست و همچنان زورگویی و تضعیف حقوق زنان وجود دارد اما به هر حال وضعیت آنها بهتر از قدیم است.

صانعی با اشاره به اینکه برخی از عناصر اسطوره ای در فرهنگهای امروزی همچنان باقی مانده است، گفت: می دانیم که در

سرتاسر مغرب زمین، زن وقتی ازدواج می کند نام خانوادگی او به نام همسر تغییر پیدا می کند و حکایت از این دارد که در این فرهنگها زن شخصیت اصیل و مستقلی ندارد.

وی توضیح مختصری درباره مکتب فمینیسم ارائه کرد و گفت: فمینیسم واکنشی است در برابر اینکه تمدن شکل گرفته تمدن مردانه است. اعضای این مکتب حرفهایی می زنند که متأسفانه از آن طرف بام آورده بودند و قبل از آنکه عقلانی باشد بیشتر به یک واکنش هیجانی شباهت دارد و چندان مورد پذیرش واقع نمی شود.